

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس (آیاتی از سوره نساء با موضوع ازدواج)^۱

سید حسین موهبتی‌زاده^۲،

یوسف هادی‌پور نهزمی^۳ و فرهاد دیو سالار^۴

چکیده

از آنجا که فضاوت درباره ترجمه بهتر است بر پایه اصول و الگوهای علمی باشد این پژوهش به شیوه تحلیلی-توصیفی به ارزیابی ترجمه چهار آیه از سوره نساء درباره موضوع مهم ازدواج از دو مترجم معاصر، الهی قمشه‌ای و فولادوند، بر مبنای سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس پرداخته تا مطابق آن، کیفیت ترجمه‌ها مشخص گردد. لذا بعد از معرفی اجمالی الگوی گارسس و مؤلفه‌های آن در سطح صرفی-نحوی، میزان کاربست معیارها در ترجمه آیات مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته و در پایان معیارهای مثبت، منفی و خنثی هر مترجم به صورت جدول آماری و نمودار درصدی نشان داده شده است که بعد از بررسی مشخص شد ترجمه قمشه‌ای با ۸۲ درصد مثبت، ۱۶ درصد منفی و ۲ درصد خنثی نسبت به ترجمه فولادوند با ۷۸ درصد مثبت، ۲۲ درصد منفی و بدون خنثی با معیارهای مثبت این الگو مطابقت بیشتری داشته، از کیفیت بهتری برخوردار می‌باشد که البته این نتیجه گیری بیانگر آنست که مؤلفه‌های مثبت و منفی الگوی گارسس در ترجمه‌های قرآن نمی‌تواند مطلق باشد بلکه بسته به نوع ترجمه و ضرورت آن می‌تواند تغییر کند.

واژه‌های راهنما: ازدواج، ترجمه قرآن کریم، سوره مبارکه نساء، فولادوند، قمشه‌ای، گارسس

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۶ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۱ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک: h.mohebatizade@kiau.ac.ir

۳. نویسنده مسئول؛ عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک: hadi1339@yahoo.com

۴. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک: divsalarf@yahoo.com

۱- مقدمه

ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی از همان ابتدا بنا به ضرورت‌هایی انجام گرفته به طوری که سلمان فارسی با موافقت پیامبر (ص) سوره فاتحه را برای ایرانیان تشنه معارف قرآنی به فارسی ترجمه کرده (سرخسی، ج. ۱، ص. ۳۷) و این جریان تا به امروز فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است و تاکنون ترجمه‌های زیادی صورت گرفته است که در گذشته هر مترجم سعی می‌کرد اشکالات ترجمه‌های قبلی را برطرف کند و ترجمه‌ی بهتری ارائه دهد ولی امروزه مطالعات ترجمه و نقد و بررسی آن براساس اصول علمی به‌عنوان شاخه‌ای بین رشته‌ای تبدیل شده که ترجمه را بر پایه مؤلفه‌های الگوهای علمی مورد ارزیابی قرار می‌دهد یکی از آن الگوها که به ارزیابی کیفیت ترجمه می‌پردازد نظریه گارسس^۱ (۱۹۹۴) است که براساس آن متن مبدأ و ترجمه‌ی آن باید در چهار سطح معنایی-لغوی، نحوی-صرفی، گفتمانی-نقشی و سبکی-منظورشناختی تا حد امکان برابر باشد. (۱۹۹۴، ص. ۱۲۰) در این پژوهش سعی شده ترجمه‌های الهی قمشه‌ای و فولادوند در سطح صرفی-نحوی الگوی مذکور؛ بر مبنای مؤلفه‌های تحت‌اللفظی، تغییرنحو، تغییر دیدگاه، تغییر نوع جمله، جبران، بسط نحوی، تلویح و تقلیل مورد ارزیابی قرار گیرد تا به این سؤال پاسخ داده شود که این دو ترجمه که یکی بسیار وفادار به متن اصلی و دیگری آزاد صورت گرفته کدام یک به معیارهای این سطح از الگو نزدیک‌تر است و از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است و در چه صورت این الگو می‌تواند معیار درستی در سنجیدن ترجمه‌های قرآن باشد زیرا مترجم حدواسط متن مبدأ و مقصد است و سعی می‌کند برای عناصر متنی زبان مبدأ معادل‌هایی در زبان مقصد پیدا کند و میان این عناصر آنچه بیشتر از همه مدنظر قرار می‌گیرد عنصر واژگان است (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۹۴، ص. ۸۰) لذا اهمیت دارد که مخاطبان برای دریافت درست پیام قرآن، به خصوص در آیات مربوط به احکام، با بهترین ترجمه‌ها که مطابقت بیشتری با متن اصلی دارد آشنا شوند، تا بتوانند پیام الهی را به درستی دریافت کنند.

۲- پیشینه علمی تحقیق

آذرشب و همکاران با ارزیابی ترجمه فولادوند و قمشه‌ای براساس الگوی گارسس (مطالعه

موردی سوره مبارکه قمر) به این نتیجه رسیده‌اند که در ترجمه فولادوند بسط معنایی و ترجمه غلط ساختار صرفی و نحوی بیشتر و در ترجمه قمشه‌ای قبض معنایی، ابهام واژگانی، توضیح و جابجایی ساختار در ترجمه بیشتری مشاهده می‌شود و به‌طور کلی میزان افزایش در ترجمه قمشه‌ای بیشتر و در ترجمه فولادوند میزان مانس و میزان کاهش بیشتر مشاهده می‌شود. (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۸)

اقبالی و همکاران ترجمه قمشه‌ای و مکارم از سوره یوسف را بر اساس سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که مکارم در مؤلفه قبض نحوی یا تقلیل نسبت به قمشه‌ای فراوانی بیشتری داشته و بیشتر به اسمی‌زدگی گرایش داشته است و در مؤلفه تحت‌اللفظی به‌عنوان یک معیار منفی، هردو مترجم از آن بهره جسته‌اند و در تغییر نحوی و برداشت سطحی از واژه‌ها قمشه‌ای عملکرد بیشتری داشته و در معیار تغییر نوع جمله، هردو مترجم ضعیف عمل کرده‌اند. (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۷) که در این پژوهش یک ترجمه آزاد و یک ترجمه وفادار را در سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس مورد بررسی قرار داده‌ایم.

مرضیه رحیمی آذین و همکاران تأثیر بهره‌گیری از راهبرد «بسط» در میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌های صفارزاده، مجتبوی و فولادوند از قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که افزوده‌ها در سطوح معنایی و نحوی باعث تغییرات فراوانی در سطح سبکی متن ترجمه شده به‌طوری‌که درصد زیادی در کفایت منفی مشاهده می‌شود. براساس الگوی گارسس ترجمه معنایی مجتبوی در کاربرد راهبرد بسط، به نسبت کفایت مثبت بالایی را دارد و کفایت و مقبولیت ترجمه وی از دو ترجمه آزاد صفارزاده و وفادار فولادوند بیشتر می‌باشد. (مرضیه رحیمی آذین و همکاران، ۱۳۹۹)

۳- روش تحقیق

اطلاعات این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری و رایانه‌ای با استفاده از نرم افزارها و وبسایت‌های مرتبط با موضوع، به روش تحلیلی، توصیفی، تطبیقی جمع‌آوری شده است که ترجمه دو مترجم با مؤلفه‌های این الگودر سطح صرفی نحوی، مورد بررسی قرار گرفته است.

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۷۵

۳-۱- پیکره تحقیق

ترجمه آیات ۳۲، ۳۴، ۳۵ و ۱۲۸ سوره مبارکه نساء ازدو مترجم معاصر الهی قمشه‌ای و فولادوند بر اساس معیارهای سطح صرفی- نحوی الگوی گارسس مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج آن به صورت جدول فراوانی و نمودار درصدی نمایش داده شده تا میزان مقبولیت این دو ترجمه مشخص گردد.

۳-۲- الگوی تحلیل داده‌ها

کارمن والرو گارسس (Carmen Valero Garces) استاد ارتباطات بین‌فرهنگی، نظریه‌پرداز و مترجم اسپانیایی عضو هیات علمی و استاد ممتاز «آلکالا» است. (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۵) او در سال ۱۹۹۴ میلادی، مدل ترکیبی خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه کرده است او در الگوی خود به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه همچون نیومارک^۱ توجه داشته است (متقی‌زاده، نقی‌زاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۴). الگوی گارسس که بر اساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است مشتمل بر چهار سطح (معنایی- لغوی، نحوی- صرفی، گفتمانی- نقشی و سبکی-منظورشناختی) بوده که البته خود به این نکته اذعان دارد که سطوح پیشنهادی‌اش گاهی با هم تداخل دارند (گارسس، ۱۹۹۴، ص. ۷۹). گارسس هدف مدل را این‌طور بیان می‌کند: «هدف این مدل، این است که جنبه‌های زبانی و ادبی را به هم ربط دهد و یک اثر ادبی را به‌عنوان عملکردی ارتباطی در نظر بگیرد که از یک سیستم زبانی استفاده می‌کند و در پایان هر دو جنبه را به ترجمه و مشکلاتی که پیرامون آن وجود دارد، متصل سازد» (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، صص. ۱۲۵-۱۲۶)

معیارهای مدل گارسس در سطح صرفی نحوی عبارتند از:

الف) ترجمه تحت‌اللفظی خانم گارسس معتقد است که گاهی مترجم با ترجمه تحت‌اللفظی واژه به واژه موجب فهم مشکل‌تر زبان اصلی می‌شود چون وقتی استفاده از این

1. Newmark

شیوه از حد واژه فراتر رود رفته رفته کارمشکل تر می‌شود و هنگامی که این نوع ترجمه به علت اختلاف فرهنگ مساله ساز شود باید از آن پرهیز کرد. (گارسس، ۱۹۹۴، صص. ۸۰-۸۱) بنابراین اگر مترجم در هر موقعیتی خود را مقید به ترجمه تحت‌اللفظی بداند در فهم مخاطب از زبان مبدأ خلل ایجاد می‌کند و نمی‌تواند مقصود نویسنده را به خوبی منتقل کند بنابراین از آن به‌عنوان یک مؤلفه منفی در ترجمه یاد می‌کند.

ب) تغییر نحو به نظر نیومارک مترجم در این باره ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد اما تغییر نحو نباید موجب جابجایی تاکید جمله شود (نیومارک، ۱۹۸۸، صص. ۸۵-۸۸) و نایدان^۱ زبان‌شناس و نظریه‌پرداز معروف آمریکایی که اعتقاد زیادی به تغییر در ترجمه دارد ترجمه را این‌گونه تعریف کرده است «ترجمه عبارت است از بازسازی نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان مقصد نخست از نظر معنا سپس از نظر سبک» (سعیدیان، ۱۳۸۷: ۱۵) از نظر نایدان مترجم باید نهایت تلاش خود را به کارگیرد تا خواننده بتواند پیام متن مبدأ را دریابد و منظور وی دستکاری در صورت برای رساندن پیام است وی اعتقاد دارد ترجمه باید به‌گونه‌ای باشد که بر خواننده ترجمه همان تأثیر را بگذارد که متن اصلی بر خواننده زبان اصلی گذاشته است و چنانچه متوجه شویم که این تأثیر برآورده نمی‌شود باید دست به جرح و تعدیل بزنیم. (صلح‌جو، ۱۳۸۵، صص. ۵۸-۶۸)

ج) ترجمه از طریق تغییر دیدگاه روشی است که در آن مفهومی در زبان مبدأ به بیانی دیگر در زبان مقصد بیان می‌شود مانند بیان معلول به جای علت و برعکس، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارات منفی با عبارات مثبت و برعکس، تغییر فعل در زمان‌های مختلف، تغییر جملات خبری به استفهامی یا تعجیبی و برعکس. (فرهادی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۶)

د) بسط به معنای بسط معنایی بخشی از متن است که نیاز به تصریح در متن مقصد دارد (گارسس، ۱۹۹۴، ص. ۸۲) تصریح، آشکار کردن اطلاعات ضمنی متن مبدأ در متن مقصد است که حداقل در سه سطح نحو، معنی و کاربرد گفتمان روی می‌دهد و شیوه‌های تصریح، استفاده از کلمات یا عبارات تصریح‌کننده، به‌کارگیری ابزارهای انسجام‌ازبین بردن

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۷۷

ابهامات ساختاری و امثال آن می‌باشد و تصریح ممکن است اجباری، اختیاری یا کاربردشناختی باشد. (فرح‌زاد، ۱۳۹۴، ص. ۶۶)

ه) **تلویح، تقلیل و حذف** در مقابل بسط به کار می‌رود تلویح به عناصری اشاره دارد که در متن مبدأ صریح هستند و در متن مقصد به‌طور ضمنی بیان می‌شوند (گارسس، ۱۹۹۴، ص. ۸۲) تقلیل یا کاهش به معنای حذف اطلاعات غیر ضروری و کم اهمیت یا مواردی است که از نظر مترجم برای خواننده ترجمه قابل فهم نیست. (فرح‌زاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۳)

و) **جبران** باتوجه به تعریف نیومارک جبران زمانی صورت می‌گیرد که از دست رفتن معنا، تأثیر آوایی، استعاره یا تأثیر عملی در بخش دیگری از جمله یا در جمله مجاور جبران شود. توری می‌گوید این روند معمولاً به تنهایی یافت نمی‌شود بلکه در ارتباط با سایر فنون رخ می‌دهد، می‌توان آن را گنجاندن چند واحد متن مبدأ در یک واحد یا در تعداد کمتری از واحدهای متن مقصد نامید (گارسس، ۱۹۹۴، ص. ۸۲)

ز) **تغییر در نوع جمله** تغییر جمله از ساده به مرکب، انشایی مانند استفهامی-تعجیبی به خبری یا ... تغییر کند.

در الگوی گارسس ترجمه‌ها از منظر دو معیار «مقبولیت و کفایت» مورد ارزیابی قرار گرفته و ویژگی‌های منفی و مثبتی نیز در این مدل پیشنهادی به منظور ارائه ترجمه‌ای مناسب هم از لحاظ انطباق مؤلفه‌های معنایی و عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد در رساندن پیام موردنظر، هم از جهت قابل قبول بودن متن ترجمه در سیستم زبانی مقصد و هم میزان پذیرش از سوی خوانندگان متن مقصد بیان شده است. (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲، صص. ۴۲-۵۶).

جدول ۱. ویژگی‌های مثبت و منفی سطح صرفی نحوی مدل گارسس

مثبت	منفی	خنثی
تغییر نحو	تحت‌اللفظی	تغییر نوع جمله
تغییر مقوله	تقلیل	
جبران		
بسط		

۴- سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس و میزان کاربرد آن در ترجمه‌های قمشه‌ای و فولادوند

۴-۱- آیه ۳۲ نساء

۱- تحت اللفظی

«بعضکم علی بعض»

ترجمه قمشه‌ای: بعضی را بر بعضی دیگر

ترجمه فولادوند: بعضی از شما را بر بعضی دیگر

در الگوی گارسس ترجمه تحت‌اللفظی، ویژگی منفی تلقی شده و در این جا هر دو مترجم بدون توجه به زبان مقصد، تحت‌اللفظی ترجمه کرده‌اند که بهتر است به صورت «شما را بریکدیگر» ترجمه شود.

«للرجال نصیب و للنساء نصیب»

یکی از معانی «ل» مالکیت است (رشید الشرتونی، ج. ۴، ص. ۳۶۰) که معادل آن در زبان فارسی فعل «داشتن» است که فولادوند به صورت «برای مردان بهره‌ای است» ترجمه کرده و بهتر است به صورت «مردان بهره‌ای دارند» ترجمه شود.

۲- تغییر نحو

«ما فضِّلَ اللهُ»

قمشه‌ای: «در فضیلت و مزیتی که خدا بدان ...»

در این جمله اسم موصول را «در» و فعل «فضِّلَ» را به مصدر ترجمه کرده و با تغییر نحو عبارت را روان‌تر ترجمه کرده است.

«للرجال نصیب مما اکتسبوا»

قمشه‌ای: که هر که از مرد و زن از آنچه کسب کنند بهره‌مند شوند.

فولادوند: برای مردان از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است.

این جمله می‌تواند مستانفه و یا مفسره جمله قبل باشد (محبی‌الدین درویش، ۱۴۱۵ق، ج.

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۷۹

۲، ص. ۲۰۵) که قمشه‌ای مفسره و فولادوند مستانفه گرفته است. اما در ترجمه قمشه‌ای تغییر نحو به این صورت است که ساختار جمله اسمیه را به صورت فعلیه آورده است و «نصیب» که مبتدا است را به فعل «بهره مند شوند» آورده تا ترجمه روان تر شود.

«وآسالوا الله من فضله»

قمشه‌ای: و هر چه خواهید از فضل خدا درخواست کنید.

فولادوند: و از فضل خدا درخواست کنید.

با توجه به این که «الله» مفعول به اول هست و «من فضله» صفت برای مفعول به دوم هست (محبی‌الدین درویش، ۱۴۱۵ق، ج. ۲، ص. ۲۰۵) هر دو مترجم به صورت مضاف‌الیه ترجمه کرده‌اند و ضمیر ترجمه نشده است.

۳- تغییر مقوله

«مما اکتسبوا...مما اکتسب»

قمشه‌ای: از آنچه اکتساب کنند.

این دو فعل ماضی را به صورت مضارع ترجمه کرده است.

۴- جبران

«ولا تتمنوا»

قمشه‌ای: آرزو و توقع بیجا مکنید.

فولادوند: زنه‌ار آرزو مکنید.

تمنی آرزوی دست نیافتنی و یا خیلی سخت دست‌یافتنی است (رشید شرتونی، ج. ۴، ص.

۲۲۱) قمشه‌ای با آوردن «توقع بیجا» و فولادوند با آوردن لفظ «زنهار» سعی کرده‌اند دست‌نیافتنی

بودن آرزو را جبران کنند.

۵- بسط

«وَلَا تَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ»

قمشه‌ای: آرزو و توقع بیجا در فضیلت و مزیتی که خدا بدان بعضی را بر بعضی برتری داده

مکنید یعنی در اموری که موهبت خداست و اکتسابی نیست مانند نعمت نبوت ولایت هوش

حسن جمال و نطق فصیح و غیره طمع نکنید و بر صاحبانش حسد مورزید و بکسب علم و هنر پردازید.

مترجم در این مورد به شرح و توضیح آنچه خداوند به افراد عطا کرده و از جهاتی باعث برتری افراد بر یکدیگر شده اشاره کرده که منجر به بسط ترجمه شده است.

«وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»

قمشه‌ای: و هرچه خواهید از فضل خدادرخواست کنید نه از خلق تا به شما اعطا کند. با تصریح به مفعول به دوم «شیئا» در ترجمه که در متن مبدأ محذوف است و نیز با اضافه کردن «نه از خلق» و «تا به شما اعطا کند» که از سیاق متن برداشت می‌شود باعث بسط شده است.

۶- تقلیل

«بعضکم علی بعض»

قمشه‌ای: بعضی را بر بعضی

با حذف ضمیر «کم» در ترجمه، تقلیل صورت گرفته است که بهتر است «شما را بر

یکدیگر» ترجمه شود.

۷- تغییر نوع جمله

بدون مصداق.

۴-۲- آیه ۳۴ نساء

۱- تحت اللفظی

«بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»

قمشه‌ای: بعضی را بر بعضی

فولادوند: برخی از ایشان را بر برخی

هر دو مترجم تحت تأثیر متن مبدأ ترجمه کرده‌اند که بهتر است به صورت «آنها را بر

یکدیگر» ترجمه شود.

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۸۱

قمشه‌ای: مردان را بر آنان تسلط و حق نگهبانی است.

حرف «علی» به همراه «قوامون» به معنی «سرپرست، محافظ» باید ترجمه شود. «قام الرجل علی المرأة» مرد به حال زن پرداخت (سیاح، ج. ۲، ص. ۱۳۷۵). «قدیجیء القیام بمعنی المحافظة و الاصلاح» ومنه قوله تعالی (الرجال قوامون علی النساء) (ابن منظور، ج. ۱۱، ص. ۳۵۵)

۲- تغییر نحو

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»

قمشه‌ای: مردان را بر آنان تسلط و حق نگهبانی است.

فولادوند: مردان سرپرست زنانند.

«الرجال» که مبتدا است قمشه‌ای متمم ترجمه کرده چون «را» در این جا به معنای «برای» آمده که نیازی به این تغییر نحو دیده نمی‌شود.

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ»

قمشه‌ای: پس آنان شایسته و مطیع آن‌هائند که در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند.

فولادوند: پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] ... اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند.

«الصالحات» مبتدا است که قمشه‌ای به صورت خبر و «قانتات» که خبر است به صورت عطف بر مبتدا ترجمه کرده و جمله «حافظات للغیب» را به صورت صله موصول آورده و جمله اسمیه را به صورت جمله فعلیه ترجمه کرده است حال آنکه «حافظات» خبر دوم می‌باشد و کل عبارت که یک جمله اسمیه می‌باشد به دو جمله تغییر داده است. فولادوند نیز «الصالحات» را که مبتدا بوده، صفت ترجمه کرده و «حافظات» را به صورت فعل آورده و جمله را به فعلیه تغییر داده و کل عبارت که یک جمله هست به دو جمله تبدیل کرده است.

«بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»

قمشه‌ای: آنچه را که خدا بحفظ آن امر فرموده نگهدارند.

فولادوند: [به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده.

«ما» می‌تواند مصدری یعنی به سبب حفظ کردن خداوند برای آن‌ها و یا موصولی به معنی

«الذی» باشد که صله‌اش محذوفه یعنی به آنچه خداوند برایشان حفظ کرده است. (محبی‌الدین درویش، ج. ۲، ص. ۲۰۸) قمشه‌ای با تغییر ترکیب جمله مبدأ، فعل «حفظ» را به صورت متمم ترجمه کرده و یک جمله را به دو جمله تبدیل کرده که با ساختار جمله مبدأ متناسب نیست.

«وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ»

قمشه‌ای: از خوابگاه آن‌ها دوری گزینید.

فولادوند: در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید.

قمشه‌ای در ترجمه به جای «هن» کلمه «مضاجع» را مفعول گرفته و مفعول را به صورت مضاف‌الیه آورده است درحالی که نیازی به این تغییر نحو نبوده است.

«اضْرِبُوهُنَّ»

قمشه‌ای: آنها را بزدن تنبیه کنید.

فولادوند: آنان را بزنید.

در ترجمه قمشه‌ای فعل امر «اضربوا» به اسم تبدیل شده و به صورت متمم ترجمه شده در صورتی که اگر منظور ایشان از زدن تنبیه کردن بوده باید در ترجمه به آن اشاره کند و این گونه بیاورد «آن‌ها را (به قصد تنبیه) بزنید.»

«فَإِنْ أَطَعْتُمْ فَلَاتَبِعُوا عَلَيْنَّ سَبِيلًا»

قمشه‌ای: چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچ گونه ستم ندارید.

فولادوند: پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید.

قمشه‌ای ضمیر «کم» که مفعول هست را بدون ترجمه گذاشته و در ترجمه «لاتبعوا» که فعل نهی می‌باشد به صورت «لا نفی جنس» ترجمه کرده یعنی جمله فعلیه را به اسمیه تبدیل کرده است و نیز با توجه به اینکه ایشان «لاتبعوا» را به معنی «ستم نکنید» گرفته‌اند در این صورت «سبیلا» منصوب به نزع خافض بوده که ترجمه نشده، لذا بهتر است این گونه ترجمه شود «پس اگر از شما اطاعت کردند (از هیچ راهی) به آن‌ها ستم نکنید.» فولادوند نیز با ترجمه «لا» نهی به صورت «لا» نفی جنس ساختار جمله فعلیه را به اسمیه تبدیل کرده و با توجه به این که ایشان «لاتبعوا» را

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۸۳

به معنی «نجوید» آورده بهتر است این‌گونه ترجمه شود «پس اگر از شما اطاعت کردند بر آنها راهی (برای سرزنش) مجوید»

۳- تغییر مقوله

«وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

قمشه‌ای: و هم بواسطه آن‌که مردان از مال خود باید بزنان نفقه دهند.

فولادوند: و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

دو مترجم با تغییر زمان فعل ماضی «انفقوا» به امر و مضارع، از مؤلفه تغییر مقوله استفاده کرده‌اند.

۴- جبران

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»

قمشه‌ای: مردان را بر آنان تسلط و حق نگهداری است.

فولادوند: مردان سرپرست زنانند.

قمشه‌ای با آوردن «حق نگهداری» بار منفی موجود در واژه «تسلط» را بهبود بخشیده است.

«اضْرِبُوهُنَّ»

قمشه‌ای: آنها را بزدن تنبیه کنید.

فولادوند: آنان را بزنید.

قمشه‌ای بعد از واژه «زدن» با آوردن «تنبیه کنید» خواسته بار منفی زدن را جبران کند و

نشان دهد که منظور، آگاه کردن زن نسبت به وظایف زناشویی خویش است نه زد و خوردی که منجر به جراحت شود.

۵- بسط

«بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»

قمشه‌ای: بواسطه آن برتری نیرو و عقل که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته.

فولادوند: به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده.

قمشه‌ای با بیان برخی از مصادیق خواسته علت برتری دادن مردان بر زنان را بیان کند که باعث بسط در ترجمه شده است.

«وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

قمشه‌ای: و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید بزنان نفقه دهند.

فولادوند: و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

قمشه‌ای بواسطه آنکه به‌جای ضمیر متصل «و» مرجعش «مردان» را آورده و نیز تصریح به محذوف «بزنان» کرده باعث بسط در ترجمه شده است.

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ»

قمشه‌ای: پس آنان شایسته و مطیع آن‌هائند که در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند.

فولادوند: پس زنان درستکار فرمانبردارند [و]... اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند.

قمشه‌ای با تصریح کردن به محذوف «آن‌هائند» و «مردان» و «حقوق شوهران» و فولادوند نیز با تصریح به «شوهران خود» در ترجمه باعث بسط شده‌اند.

۶- تغییر نوع جمله

«وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

قمشه‌ای: و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید بزنان نفقه دهند.

فولادوند: و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

قمشه‌ای جمله را از خبری به انشایی تبدیل کرده است.

۷- تقلیل

بدون مصداق.

۳-۴- آیه ۳۵ نساء

۱- تحت اللفظی

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا»

قمشه‌ای: چنانچه بیم آن دارید که نزاع و خلاف سخت بین آنها یعنی میان زن و شوهر پدید

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۸۵

آید.

فولادوند: و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید.

قمشه‌ای تحت تأثیر ساختار متن مبدأ به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده و فعل را در اول جمله آورده، حال آنکه در زبان فارسی باید فعل در آخر جمله آورده شود همان‌طور که فولادوند به درستی رعایت کرده است.

«فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا»

قمشه‌ای: داوری برگزینید از طرف کسان مرد و کسان آن.

فولادوند: پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید.

قمشه‌ای تحت تأثیر زبان مبدأ و بدون توجه به ساختار زبان مقصد، به صورت تحت‌اللفظی، فعل را در اول جمله آورده و بقیه ارکان جمله را بعد از آن آورده است.

۲- تغییر نحو

«يُوفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»

قمشه‌ای: خدا ایشان را بر آن موفقیت بخشد.

فولادوند: خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد.

قمشه‌ای مضاف‌الیه «هما» را مفعول و ظرف «بین» را متمم ترجمه کرده است.

۳- تغییر مقوله

«يُوفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»

قمشه‌ای: خدا ایشان را بر آن موفقیت بخشد.

فولادوند: خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد.

فولادوند با تغییر زمان حال «یوفق» به آینده «سازگاری خواهد داد» از مؤلفه تغییر مقوله

استفاده کرده است.

۴- جبران

بدون مصداق

۵- بسط

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا»

قمشه‌ای: چنانچه بیم آن دارید که نزاع و خلاف سخت بین آنها یعنی میان زن و شوهر پدید آید.

فولادوند: و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید.

قمشه‌ای با آوردن کلمه «خلاف سخت» بعد از واژه «نزاع» که درحقیقت توضیحی برای آن است و نیز با آوردن مصداق ضمیر «هما» به صورت «یعنی میان زن و شوهر» باعث بسط در ترجمه شده است. فولادوند نیز با بیان مصداق ضمیر «هما» به ترجمه بسط داده است.

«فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا»

قمشه‌ای: داوری برگزینید از طرف کسان مرد و کسان آن.

فولادوند: پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید.

فولادوند با اشاره به مصداق ضمائر «ه» و «ها» به ترجمه بسط داده است.

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»

قمشه‌ای: که خدا بهمه چیز دانا و از همه سرائر خلق آگاهست.

فولادوند: آری! خدا دانای آگاه است.

قمشه‌ای با تصریح به مفاهیم ضمنی «به همه چیز» و «از همه سرائر خلق» بسط در ترجمه

ایجاد کرده است.

۶- تغییر نوع جمله

بدون مصداق.

۷- تقلیل

«فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا»

قمشه‌ای: داوری برگزینید از طرف کسان مرد و کسان آن.

فولادوند: پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید.

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۸۷

قمشه‌ای با حذف به قرینه لفظی «داوری ازطرف» باعث کاهش در ترجمه شده است.

۴-۴- آیه ۱۲۸ نساء

۱- تحت اللفظی

«وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا»

قمشه‌ای: و اگر زنی بیم آن داشت که شوهرش با وی مخالفت و بد سلوکی کند یا از او دوری‌گزیند.

فولادوند: و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد.

دو مترجم تحت تأثیر متن مبدأ سعی کرده هر کلمه را جای خود ترجمه‌کند اگرچه باعث

تغییر ساختار جمله شود مثلاً قمشه‌ای یک جمله را به چند جمله در متن مقصد تبدیل کرده و

فولادوند بین اجزای فعل مرکب «بیم داشتن» فاصله انداخته است.

«وَأَحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ»

قمشه‌ای: و نفوس را بخل و حرص فراگرفته.

فولادوند: [الی] بخل [و بی‌گذشت بودن]، در نفوس، حضور [و غلبه] دارد.

فولادوند با تکیه بیش از حد به متن مبدأ سعی کرده تمام کلمات را ترجمه کند حال آن‌که

قمشه‌ای با آوردن معادلی مناسب‌تر در زبان مقصد، ترجمه‌ای روان و به دور از تحت‌اللفظی ارائه

داده است.

۲- تغییر نحو

«فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا»

قمشه‌ای: باکی نیست که هر دو تن براه صلح و سازش باز آیند.

فولادوند: بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گرایند.

چون مفعول مطلق در زبان فارسی وجود ندارد هر دو مترجم ناچار به تغییر نحو در زبان

مقصد شده‌اند تا بتوانند مقصود را بیان کنند.

«وَأَحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ»

قمشه‌ای: و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته.

فولادوند: و[لی] [بخل] [و بی گذشت بودن]، در نفوس، حضور [و غلبه] دارد.

دو مترجم ساختار مجهول را به معلوم تبدیل کرده و مفعول دوم «الشح» در ترجمه فولادوند فاعل و در ترجمه قمشه‌ای نائب فاعل و «الانفس» در ترجمه قمشه‌ای مفعول و در ترجمه فولادوند متمم ترجمه شده است.

۳- تغییر مقوله

«وَأَحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ»

قمشه‌ای: و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته.

فولادوند: و[لی] [بخل] [و بی گذشت بودن]، در نفوس، حضور [و غلبه] دارد.

دو مترجم با تغییر جمله مجهول به معلوم، از مؤلفه تغییر مقوله استفاده کرده‌اند.

«وَإِنْ تَحْسَبُوا وَتَتَّقُوا»

قمشه‌ای: اگر درباره یکدیگر نیکوئی کرده و پرهیزگار باشند.

فولادوند: اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید.

قمشه‌ای زمان حال فعل‌ها را به صورت گذشته ترجمه کرده و از تغییر مقوله استفاده کرده

است.

۴- جبران

«وَأَحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ»

قمشه‌ای: و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته.

فولادوند: و[لی] [بخل] [و بی گذشت بودن]، در نفوس، حضور [و غلبه] دارد.

باتوجه به اینکه «الشح» به معنی بخل همراه با حرص می‌باشد (راغب اصفهانی، ص. ۲۶۲)

الهی قمشه‌ای عدم برابری بخل در مقابل «الشح» را با آوردن واژه «حرص» و فولادوند با آوردن

«بی گذشت بودن» جبران نموده است.

۵- بسط

«أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا»

الهی قمشه‌ای: که هر دو تن براه صلح و سازش بازآیند.

فولادوند: که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گرایند.

وجود مفعول مطلق در زبان عربی و عدم معادل آن در زبان فارسی موجب تغییر ساختار

جمله در زبان مقصد می‌شود که این تغییر باعث بسط در ترجمه هر دو مترجم شده‌است.

«وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»

قمشه‌ای: که صلح بهر حال بهتر از نزاع و کشمکش است.

فولادوند: که سازش بهتر است.

قمشه‌ای با اشاره به مفاهیم ضمنی و آوردن مترادف «به‌هرحال» و «نزاع و کشمکش» در

ترجمه، موجب بسط در ترجمه شده است.

«وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا»

قمشه‌ای: و اگر درباره یکدیگر نیکوئی کرده و پرهیزگار باشید باجر نیکی خود برسند.

فولادوند: و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید.

قمشه‌ای با تصریح به مفاهیم ضمنی «درباره یکدیگر» و «به اجر نیکی خود برسند» از

مؤلفه بسط در ترجمه بهره جسته است.

۶- تغییر نوع جمله

بدون مصداق.

۷- تقلیل

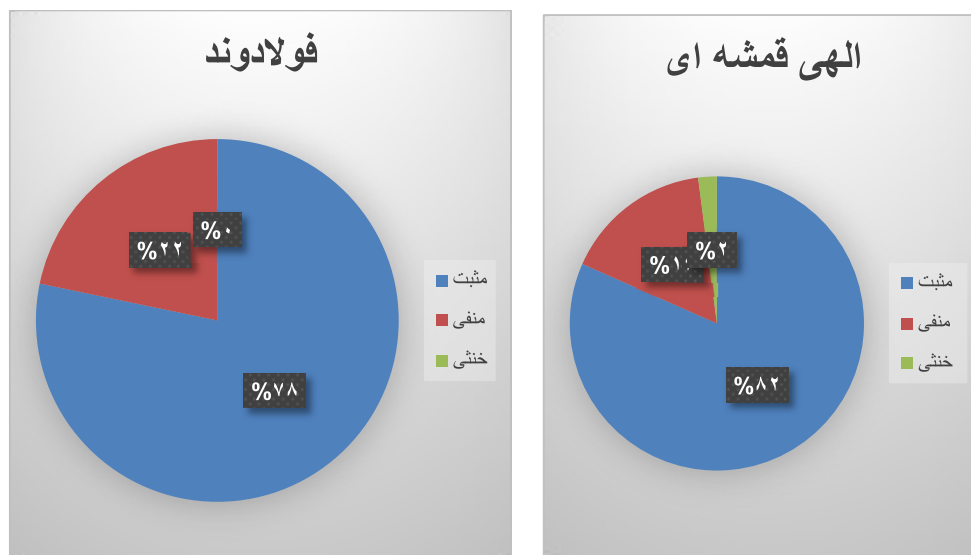
بدون مصداق.

جدول ۲. میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها

شخص خنثی	شخص منفی				شخص مثبت				مترجم	
	تغییر نوع جمله	تغییر نحو	تقلیل و کاهش	تحت‌اللفظی	تغییر مقوله	جبران	بسط	تغییر نحو		
۱	۱	۸	۲	۶	۴۰	۱۴	۴	۴	۱۸	قمشه‌ای
۰	۰	۵	۰	۵	۱۸	۵	۱	۳	۹	فولادوند

اطلاعات خام آماری بالا در نمودار زیر به درصد نشان داده شده تا گویای بهتر نتایج

باشد.



نمودار ۱. درصد کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها

۵- نتیجه

بعد از ارزیابی ترجمه‌ها مشخص شد ترجمه قمشه‌ای بیشتر توضیحی می‌باشد مؤلفه تغییر نحو و بسط که جزو معیارهای مثبت می‌باشد بیشتر به چشم می‌خورد و در دیگر مؤلفه‌های مثبت، یعنی تغییر مقوله و جبران نیز نسبت به فولادوند امتیاز بیشتری کسب کرده‌است و در مؤلفه تقلیل

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۹۱

و حذف که معیاری منفی به حساب می‌آید کمترین فراوانی را دارد و ترجمه فولادوند نیز در بین شاخص‌های مثبت، تغییر نحو و بسط فراوانی بیشتری دارد که این نکته را برای ما نمایان می‌کند که در ترجمه‌ی آیات قرآن به فارسی بنا به ویژگی‌های زبانی زبان مبدأ، برای روان و قابل فهم شدن ترجمه در زبان مقصد، ناگزیر از ایجاد تغییرات و آوردن اضافاتی در زبان مقصد هستیم و در معیار منفی تقلیل و حذف، فولادوند که ترجمه‌ای وفادار انجام داده است، هیچ موردی مشاهده نشد و در معیار منفی تحت‌اللفظی تقریباً هر دو مترجم به یک نسبت عمل کرده‌اند و به‌طور کلی در تمام معیارهای مثبت و منفی قمشه‌ای نسبت به فولادوند از فراوانی بیشتری برخوردار است. ولی بعد از کسر امتیازات مثبت و منفی هر مترجم، ترجمه قمشه‌ای با معیارهای مثبت این سطح از الگوی گارسس مطابقت بیشتری داشته، از مقبولیت بیشتری برخوردار است.

البته لازم به یادآوری است که سنجش ترجمه‌های قرآن براساس مؤلفه‌های الگوی گارسس باید با ظرافت و دقت بیشتری صورت بگیرد زیرا باوجود تفاوت‌های ساختاری زبان فارسی و عربی و لزوم ایجاد تغییرات نحوی به هنگام ترجمه، مثبت یا منفی بودن هر یک از مؤلفه‌ها را باید متناسب با جایگاه و ضرورت آن مورد بررسی قرارداد و نمی‌توان هرگونه بسط یا توضیحی را مثبت یا هرگونه حذف و تقلیلی را منفی تلقی کرد به‌عنوان مثال تحت‌اللفظی بودن که در این الگو یک مؤلفه منفی هست آنجا که در ساختارهای مشابه بین دوزبان اتفاق بیفتد یا به حفظ نشان داری زبان مبدأ کمک کند یک مؤلفه مثبت به حساب می‌آید و یا مؤلفه تغییر نحو آن جا که به علت تفاوت‌های ساختاری دوزبان صورت بگیرد مثبت و در صورتی که به منجر به از دست رفتن دلالت‌های بلاغی شود، منفی است و یا معیار بسط معنایی که جزو معیارهای مثبت می‌باشد باید موارد ضروری از غیرضروری جدا گردد نیز بسته به این که چه روشی در ترجمه انتخاب شده، می‌تواند بیانگر مثبت یا منفی بودن بسط معنایی باشد مثلاً ترجمه‌های مبدأگرا از بسط کمتری نسبت به ترجمه‌های مقصدگرا برخوردارند یا ترجمه‌های تفسیری از توضیح و بسط معنایی بیشتری برخوردار است بنابراین الگوی گارسس اگر با دقت و ظرافت و در نظر گرفتن تمام جوانب، درباره ترجمه‌های قرآن صورت نگیرد نمی‌تواند معیار درستی جهت قضاوت ترجمه‌ها باشد چنانکه در این پژوهش نیز ترجمه مقصدگرا و آزاد الهی قمشه‌ای با وجود اشکالات فراوان و عدم مطابقت

کافی با متن مبدأ، چون فقط جهت روان و خوشخوان شدن ترجمه از توضیحات و بسط معنایی زیادی بهره برده با وجود اینکه در بسیاری موارد، ساختار زبان مبدأ را رعایت نکرده ولی از امتیاز مثبت بیشتری برخوردار شده و ترجمه فولادوند که مطابقت بیشتری با متن مبدأ دارد و از توضیحات غیرضرور دوری کرده و آنجا که لازم بوده توضیحات مورد نیاز را داخل قلاب آورده و از اصل ترجمه جدا کرده، امتیاز مثبت کمتری طبق این الگو به خود اختصاص داده است بنابراین، در ترجمه قرآن، هریک از این مؤلفه‌ها نمی‌توانند مطلقاً مثبت یا منفی باشند و باید براساس ضرورت و نوع ترجمه و... در نظر گرفته شود در غیراین صورت، نمی‌تواند معیار درستی در سنجیدن ترجمه‌های قرآن باشد.

منابع:

قرآن کریم.

آذرشب، محمدعلی، ملکی، معصومه و اسداللهی، لیلا (۱۳۹۸). تطبیق و ارزیابی ترجمه قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای بر اساس الگوی گارسس. مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۶(۱۲)، صص. ۲۲۵-۲۶۰.

ابن منظور (۱۴۰۸ق.). *لسان العرب*، تحقیق سیری، علی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اقبالی، مسعود و نامداری، ابراهیم (۱۳۹۷ش.). *تقدوبررسی ترجمه الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس*. دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، ۷(۲)، صص. ۱۵۴-۱۹۱.

الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۷۵ش.). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: انتشارات نقش و نگار.

درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ق.). *اعراب القرآن و بیانه*. دمشق: دار ابن کثیر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۶ش.). *معجم مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق مرعشلی، ندیم. تهران: انتشارات مرتضوی.

رحیمی آذین، مرضیه؛ قائمی، مرتضی؛ مسبوق، سید مهدی (۱۳۹۹ش.). *تأثیر بهره‌گیری از راهبرد بسط در میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌های صفارزاده، مجتبوی و فولادوند از قرآن کریم*. پژوهش‌های قرآنی، ۴ (پیاپی ۹۷)، صص. ۲۵-۴۴.

تحلیل ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند با تکیه بر سطح صرفی-نحوی الگوی گارسس ... ۹۳

رشیدی، ناصر و فرزانه، شهین (۱۳۹۲ش.). *ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت اثر میگوئل دوسروانتس براساس الگوی گارسس*. فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه سندج، ۵(۱۵)، صص. ۴۱-۵۶.

سرخسی، محمدین احمد (۱۳۸۳ق.). *المبسوط*. بیروت: دارالمعرفه.

سعیدیان، اسماعیل (۱۳۸۷). *اصول و روش کاربردی ترجمه*. تهران: رهنما.

سیاح، احمد (۱۳۷۱). *فرهنگ بزرگ جامع نوین*. تهران: انتشارات اسلام.

شرتونی، رشید (۱۳۶۹ش.). *مبایء العربیه*. تهران: انتشارات اسماعیلیان.

صلح‌جو، علی (۱۳۸۵). *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.

فرح‌زاد، فرزانه (۱۳۹۴). *فرهنگ جامع مطالعات ترجمه*. تهران: علمی.

فرهادی، پروین (۱۳۹۲). *بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان عربی، دانشگاه تهران.

فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۸). *ترجمه قرآن کریم*. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۹۰ش.). *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

متقی‌زاده، عیسی و نقی‌زاده، سیدعلاء (۱۳۹۶). *ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس*. دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۷(۱۶)، صص. ۱۶۹-۱۹۴.

مهرین شوشتری، عباس (۱۳۵۹ش.). *فرهنگ لغات قرآن*. تهران: انتشارات گنجه.

نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب (۱۳۹۷ش.). *الگوی ارزیابی ترجمه*. ج. ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نیومارک، پیتر (۲۰۰۶). *الجامع فی الترجمة اعداد*. أ. د. حسن غزاله. بیروت: دار و مکتبة الهلال.

نیومارک، پیتر (۱۳۷۲). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما.

Garcés, C. V. (1994). *A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study, The Scarlet Letter by N. Hawthorne into Spanish*. *Babel*, 40(2), 77-102.